

زمانی شروع کردم که مادر شدم!

● گفت‌وگوکننده: اشرف سادات کلاکی | مدیر داخلی رشد آموزش پیش‌دبستانی

اشاره

خانم کلر ژوبرت نویسنده و تصویرگر کتاب کودک با موضوع‌های اخلاقی و دینی است. ایشان که در جوانی به اسلام مشرف شده است، فعالیت‌های خود را به منظور خلق آثار مذهبی برای کودکان از دهه ۱۳۶۰ آغاز کرد و نخستین مخاطبان آثارش فرزندانش بودند. خانم ژوبرت مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته ادبیات کودک اخذ کرده و تحصیل درس‌های حوزوی را تا سطح دو حوزه پیش برده است که این هر دو در رسیدن او به هدفش بسیار مؤثر بوده‌اند. در ادامه مصاحبه ما را با این خانم نویسنده و تصویرگر می‌خوانید.

لطفاً خودتان را به طور کامل معرفی بفرمایید.

با سلام و احترام به شما و خوانندگان گرامی. کلر ژوبرت هستم، نویسنده و تصویرگر کتاب کودک. سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ شمسی) در پاریس متولد شدم. در یک خانواده کاتولیک تحصیل کرده بزرگ شدم و از کودکی علاقه بسیاری به حضرت عیسی (ع) داشتم. اما در نوجوانی سؤال‌های زیادی در مورد دین مسیحیت برایم ایجاد شد؛ از جمله در مورد تثلیث. کم‌کم متوجه تحریفات و تناقضاتی شدم که در طول تاریخ برای این دین به وجود آمده‌اند. چند سال در جست‌وجوی حقیقت بودم تا اینکه به برکت انقلاب اسلامی ایران با اسلام آشنا شدم.

توحید ناب و زلال اسلام و اینکه همه پیامبران پیشین را از آن خود می‌داند، باعث شد کنجکاو و علاقه‌مند شوم و به مطالعه و پرس‌وجو در موردش بپردازم. تا اینکه در سن ۱۹ سالگی تصمیم گرفتم به لطف خداوند مسلمان شوم.

مدتی بعد ازدواج کردم و چون همسرم ایرانی‌اند، به ایران آمدم و ساکن تهران شدیم.

تحصیلاتم کارشناسی علوم تربیتی، کارشناسی ارشد ادبیات کودک و سطح دو حوزه است. فقط برای مخاطب کودک و خردسال داستان می‌نویسم و به موضوع‌های دینی، اخلاقی و مربوط به مهارت‌های زندگی علاقه بسیاری دارم.

داستان‌نویسی برای کودکان را زمانی شروع کردم که مادر شدم. از کودکی علاقه



بسیاری به کتاب و داستان و نوشتن داشتیم، ولی آن زمان اصلاً فکر نمی‌کردم بتوانم داستان‌نویسی را به صورت جدی دنبال کنم. بعد از تولد فرزندانم، به ادبیات کودک رو آوردم تا آن‌ها را با کتاب و علاقه به مطالعه بزرگ کنم. کتاب‌های زیادی برایشان خواندم و خودم عاشق ادبیات کودک شدم و اینکه یک داستان ساده چقدر می‌تواند مفاهیم عمیقی را برای بچه‌ها ملموس کند. این شد که تصمیم گرفتم این کار را شروع کنم و در کنارش تصویرگری را هم آغاز کردم و تا به امروز به یاری خدا به این دو حرفه در کنار هم می‌پردازم.

۲ نوشتن چه قصه‌هایی سخت است؟

داستان‌نویسی برای کودکان، به خودی خود، سخت‌تر از داستان‌نویسی برای مخاطبان دیگر است، اما نوشتن داستان دینی دشوارتر است. ادبیات کودک مخاطب‌محور است و نویسنده باید به خصوصیات کودکان (محدودیت تجربه و شناخت، علاقه‌ها و نیازهای خاص و غیره آن‌ها) توجه هر چه بیشتری داشته باشد. اما «موضوع‌محور بودن» خیلی از داستان‌های دینی رعایت این مسائل را دشوارتر می‌کند. از طرف دیگر، حرمت مطالب دینی در بسیاری از موارد دست نویسنده را می‌بندد و آزادی او را در به کارگیری قوه خیال محدود می‌کند.

۳ در نوشتن قصه‌های مذهبی چه مسائلی اهمیت دارند؟

داستان‌های دینی برای مخاطب کودک از دید من سه نوع‌اند: بازنویسی‌های زندگی بزرگان دین و وقایع تاریخ اسلام (داستان‌های مستند)، داستان‌های تخیلی حاوی مفاهیم و مطالب دینی (اعتقادی، اخلاقی...)، و داستان‌های ترکیبی. در این سه نوع داستان آنچه به گمانم در وهله اول ضروری است، انتخاب درست و سنجیده موضوع بر اساس شناخت کافی و به‌روز شده از مخاطب کودک است. حتی در داستان‌هایی که به زندگی و شخصیت بزرگان دین می‌پردازند، می‌باید با دقت فکر کنیم که قرار است به بچه‌ها چه بگوییم، تا محتوای داستان برای بچه‌های امروز کاربردی و قابل انطباق با زندگی‌شان باشد.

در مورد موضوع‌های دینی نامناسب برای کودکان اختلاف نظر هست، اما به اعتقاد من پرداختن به صفات قهریه خداوند، جهنم، شیطان و هر آنچه بچه‌ها قادر به درک و هضم آن‌ها نیستند، در آثار مکتوب مختص آن‌ها جایز نیست. پاسخ شفاهی دادن به کودکانی که در مورد این مسائل سؤال می‌کنند موضوع دیگری است.

در ضمن می‌باید به موضوع واحدی اکتفا کنیم تا

داستان شلوغ، گیج‌کننده و کسل‌کننده نشود. در وهله دوم خیلی مهم است که داستان دینی واقعاً داستان باشد، نه صرفاً بهانه‌ای برای انتقال یک مطلب و پیام دینی. نویسنده داستان دینی باید تسلط مطلوبی بر اصول داستان‌نویسی داشته باشد تا بتواند در انتخاب راوی و زاویه دید، خلق شخصیت و موقعیت داستانی، گره‌افکنی و گره‌گشایی، و غیره به بهترین وجه و متناسب با موضوع عمل کند. در ضمن یکی از عوامل تعیین‌کننده در جذاب بودن یا نبودن داستان دینی خلاقیت است و اینکه نویسنده بتواند قالب‌های جدید و متفاوتی را به کار گیرد و نگاه نویسی به موضوع القا کند.

در وهله بعد هم می‌باید از پرگویی و مستقیم‌گویی و دادن شعار پرهیز کنیم. معیارهای فکری صحیح ارائه بدهیم و شبهه ایجاد نکنیم. از زبان مناسب و دلنشین استفاده کنیم و البته بسیاری مسائل دیگر که در مرحله‌ی بازمینی مکرر داستان باید به آن‌ها دقت فراوان داشت.

۴ چالش آثار مذهبی موجود در بازار نشر چیست؟

به گمانم خیلی از ناشران و نویسندگان آثار دینی تصور می‌کنند که برای نوشتن داستان دینی مناسب کودکان، کافی است کلیاتی از زندگی پیامبران و امامان را در قالب متن کوتاه و ساده‌ای بازگویی کنند. این بازنویسی‌ها که در بازار کتاب کودک متأسفانه بسیار فراوان‌اند، در خیلی از موارد فاقد کیفیت ادبی و دارای تصویرگری و صفحه‌آرایی غیر حرفه‌ای و حتی کیفیت چاپ پایین هستند. اما معمولاً با قیمت پایین‌تر از کتاب‌های حرفه‌ای ارائه می‌شوند و خیلی خوب پخش می‌شوند؛ حتی در دکه‌های روزنامه‌فروشی.

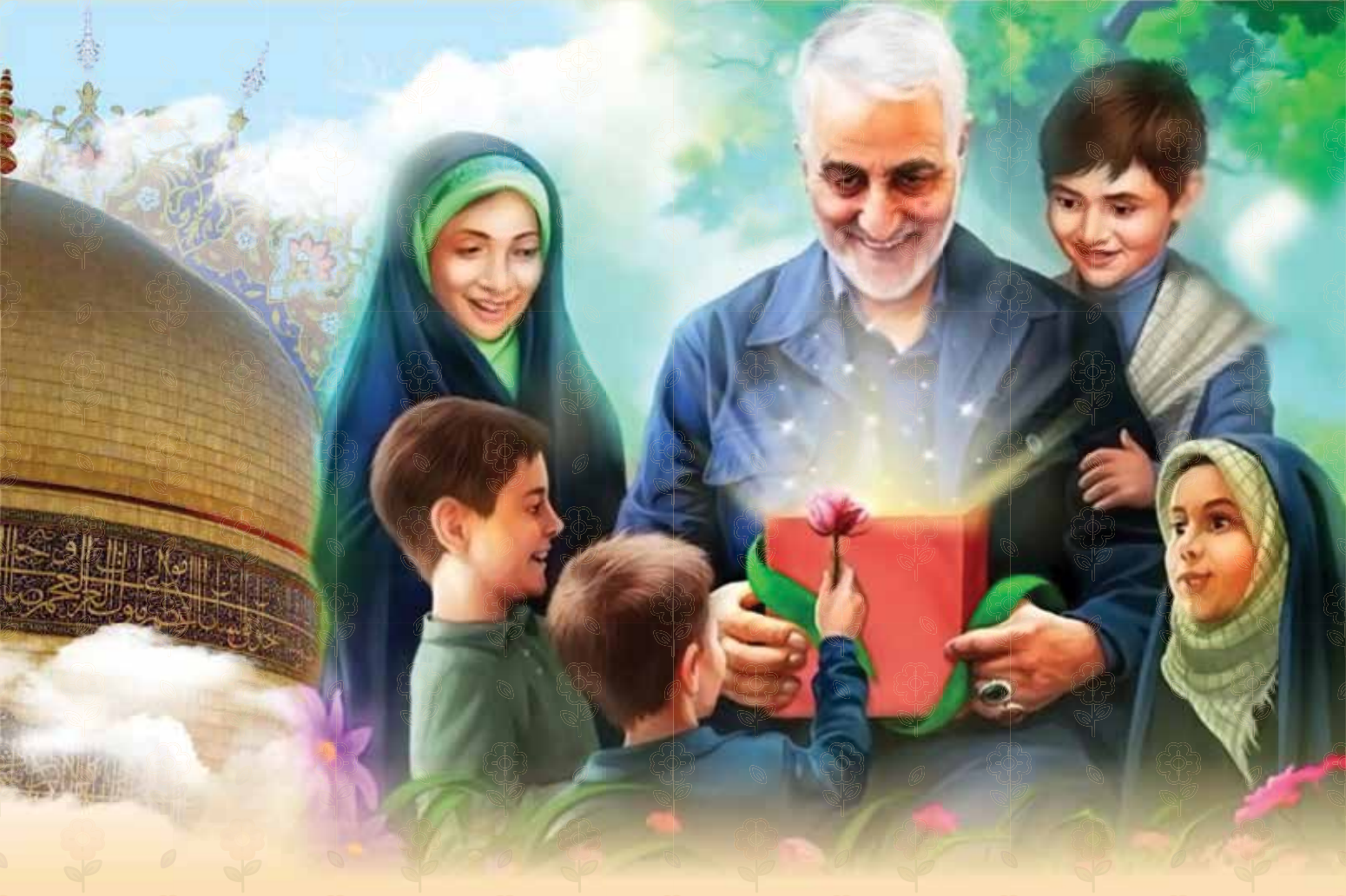
اما در میان کتاب‌های ناشران حرفه‌ای، برخی آثار مذهبی دیده می‌شوند که از سایر کتاب‌های کودک ضعیف‌تر نیستند؛ هر چند شاید تعدادشان خیلی زیاد نباشد. علتش هم این است که خلق آثار دینی مناسب و جذاب کار خیلی دشواری است، به خصوص در جامعه‌ای اشباع شده از مطالب دینی درست و نادرست.

۵ بهترین کتابتان از نگاه خودتان را معرفی بفرمایید؟ و چرا؟

سؤال سختی است، چون تنها داستان‌هایی را برای چاپ به ناشر سپرده‌ام که کاملاً از آن‌ها راضی بوده‌ام. تعداد زیادی داستان دارم که آن‌ها را هنوز دارای ضعف می‌دانم و برای چاپشان اقدام نکرده‌ام.

در عین حال امیدوارم داستان‌های جدیدم بهتر از قبلی‌ها باشند، و کتاب‌هایی «مثل تو، بانوی من، فاطمه» (درباره تولد حضرت زهرا (س)) و «پس

یکی از عوامل تعیین‌کننده در جذاب بودن یا نبودن داستان دینی خلاقیت است و اینکه نویسنده بتواند قالب‌های جدید و متفاوتی را به کار گیرد و نگاه نویسی به موضوع داشته باشد



اولین داستانتان در این زمینه را به اصرار زیاد سردبیر «سروش کودکان» آن زمان، درباره حضرت امام حسین (ع) نوشتیم و بعد از آن، گاهی با احتیاط بسیار سعی کردم به ابعادی از زندگی یا شخصیت این بزرگواران بپردازم.

۸ درباره آثار بعدی تان بفرمایید؟

چند اثر دارم که مراحل نهایی کتاب شدن را طی می کنند و قرار است به امید خدا به زودی منتشر شوند. یکی از این آثار، داستانی تخیلی با موضوع قهرمان شدن و اشاره به شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی است که در مرحله صفحه آرایی است. مشغول تصویرگری داستانی در مورد حضرت امام رضا (ع) و ورود ایشان به نیشابور هم هستم و دارم تلاش می کنم درباره زنده یاد، مرضیه دباغ که شیرزن بی نظیری بود، داستانی بنویسم. موضوع های فراوانی هستند که خیلی دوست دارم در موردشان برای بچه ها بنویسم؛ مانند معلولیت، مسئولیت پذیری، توانایی کنار آمدن با سختی ها، و مسائل مربوط به گذر از سن عبادت دختر بچه ها. داستان های ناتمام زیادی هم دارم که گاهی به آن ها برمی گردم و نمی دانم آیا روزی به نتیجه می رسند یا نه.

۹ از شما بابت شرکت در این مصاحبه تشکر می کنم.

مرتضی کو؟» (براساس خاطره ای از کودکی شهید مطهری) را بهتر از بقیه آثارم می دانم.

۶ کدام کتابتان با استقبال زیاد مخاطبان روبه رو شده است؟ و چرا؟

به طور دقیق نمی دانم کدام کتاب از این لحاظ موفق تر بوده است، اما به دلایل متفاوت چندتا از کتاب هایم بیشتر از بقیه دیده شده اند؛ از جمله «خداحافظ را کون پیر» (راجع به مرگ و انتقال به جهان آخرت) و «لینالونا» (با موضوع حجاب از دید یک دختر بچه). به گمانم یکی از دلایل این استقبال، اندک بودن کتاب کودک در این دو موضوع است.

چندتا از کتاب های مناسبی ام هم با استقبال خوبی مواجه و چند بار تجدید چاپ شده اند، مانند «عید گنجشک ها» در مورد روزه کله گنجشکی و عید فطر و «برای مولا علی (ع)» با موضوع «غدیر». دلایل هم همین مناسبی بودن است و اینکه در ایام مربوطه، تعدادی از افراد و بعضی نهادها این کتاب ها را برای هدیه دادن به کودکان خریداری می کنند.

۷ آیا تا به حال از نوشتن درباره چیزی ترسیده اید؟ یعنی ترس از رفتن سراغ موضوعی خاص؟!

چندین سال از نوشتن در مورد معصومین (ع) امتناع کردم؛ به خاطر حرمتی که برای من داشتند.